

هو الـ زیز

ترجید

(۱۰)

آقایان مادیین میگویند: چون ما خدا را در عالم خلقت باحواس ندیده ایم نباید خدا در خارج عالم باشد این افکار روی اصل تجربه و فلسفه حس است در صورتیکه این حکم خود برخلاف حس است زیرا در غیر محسوس نباید حکم قطعی صادر کنند نه نفیاً و نه اثباتاً بنا بر این حکم به نبودن خدا برخلاف اصول خودشان می باشد این اضطراب رای و پیریشانگومی مثل اینکه جزو عادیات و غیراً از مادیین است.

حضرت صادق علیه السلام بیک طبیب طبیعی از همین طریق پاسخ قانع کننده داد بطوریکه او از عقیده خرافی خود دست برداشت و از تزلزل و اضطراب نجات یافت .

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

تو در صدور این حکم (انکار خدا) ایمان نداری زیرا معتقد به چیزی که برخلاف مبنای تو است شده ای طبیب گفت چگونه؟  
حضرت فرمود شما می گوئید هر آنچه باحواس درک نشود مورد انکار است بنا بر این از غیر طریق حواس حکمی نداری؟

طبیب گفت چنین است حضرت فرمود: آیا تو داخل زمین و قعر دریاها و میان هوا و بالای آسمان رفتی و هیچ جاصانع مدبر را ندیدی؟  
گفت نه، حضرت فرمود پس چگونه بدون استناد بحس انکار میکنی؟ طبیب گفت

شک دارم .

حضرت فرمود حالا که از انکار بشک آمدی امیدوارم بزودی معترف شوی.  
سپس حضرت صادق باهلیله ای که در دست طبیب بود و ادارش نمود که بدرخت

هلیله و زمینی که در او زرع می شود و بزراع و غیرها که هیچکدامشان را ندیده بود و بهیچ یک از حواس آنان را درک نکرده بود اعتراف کند ( این حدیث مفصل است و بهمین اندازه اکتفا شد )

**کامیل فلاماریون** در خلال بیان قوانین حرکات آسمان میگوید: در این فضاء لایتناهی میلیون میلیونها کواکب بحرکت درآمده نقل و انتقال می یابند. درقبال این سقوط عظیم هیبت آور یعنی باران کواکب در فضای لایتناهی، درقبال این جاده های مختلفه یعنی این مدارات عظیمه که اندازه مساحت آنان حتی بوهم و خیال هم ادراک نمی شود و ستارگان که بانظم و ترتیب خاصی چون عقربه يك ساعت دیواری و یا نزول يك سیب از درخت و یا چرخ طیار يك آسیای بادی بر حسب میزان قوه ثقل بحرکت خود ادامه میدهند.

درقبال اطاعت شگفت انگیز اجرام سماوی از قواعد و قوانین و تطابق این اجرام با آن قوانین، درقبال کیفیات استحکام و ثبات و بقاء عالم، کیست که بتواند انکار نموده و بگوید قوه بر ماده تسلط و حکومت نداشته و نمی تواند بر وفق قانون مخصوص و تغییر ناپذیر خود ماده را اداره نماید؟

کیست آن شخص که بالفرض قوه رامطیع و تابع تشکیلات بی حس و حرکت ماده تصور نموده بر طبق مسلك قهرائی مشائیین ( پیروان فلسفه ارسطو ) تصدیق نماید که قوه یکی از حواس مخفی و باطنی ماده بوده در عین اینکه قوه لایق داشتن عنوان يك يك سلطان صاحب اختیار و مطلق می باشد آنرا در رتبه عناصر تابعه و مطیع محسوب دارد سپس فلاماریون میگوید نعوذ بالله اگر بر حسب اتفاق چنین قضیه ای رخ دهد که قوه در اندک لحظه بوظیفه خود عمل ننموده و عصای سلطنتی را بعنوان استعفاء از شغل خود از دست رها میکرد چه حادثه رخ میداد تنها فرض این قضیه اساس نظم و ترتیب عالم را از بین برده و جهان را بصورت توده های درهم و برهم مهیب خواهد در آورد آری این است نمره صورت و وقوع این فرض سیئهانه *گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

این نظریه متین فلاماریون مطابق احکام باقرهایش امام صادق علیه السلام که فرمود اگر عالم تدبیر ندارد در صورتیکه اندک خلل در نظم و ترتیب گوشه ای از جهان حاصل شود آیا تمام عالم مختل و معدوم نمیشود و آیا مردم در آن موقع چه چاره برای اصلاح جهان خواهند داشت؟

حدیثی نیز در باره عظمت جهان از امام صادق علیه السلام نقل شده ان لله اثنی عشر الف عالم، کل عالم منه اکبر من سبع سموات و سبع ارضین ما یری عالم منهم ان لله عزوجل عالماً غیرهم

یعنی خدا یرا دوازده هزار عالم است که هر کدام از آنها بزرگتر از هفت آسمان ←

## شرح حال مرحوم میرزای قمی «اعلی الله مقامه»

### میرزا و ادبیات

با اینکه در میان فقها کمتر ادیب یافت میشود و دقت در مسائل و ابواب فقه کمتر مجال مطالعه ادبیات میدهد.

معدنك مرحوم میرزا با آن دقت نظر و توغل در فقه و اصول و اشتغال بتالیف و تصنیف، در ادبیات عرب و زبان فارسی استاد بوده قصائد بلیغ عربی و پارسی او که در دست است نمونه از تبحر او در شعر عربی و پارسی است.

از خصوصیات او در شعر اینست که هر بیت قصیده عربی که سروده ذیل آن ترجمه آنرا نیز شعر پارسی انشاء نموده است که اشعار فارسی خود قصیده علیحده ای است. خصوصیت دیگر او در قصائد اینست که توسل به ائمه اطهار علیهم السلام مخصوصا توسل او به حضرت مولی الموحدين و اعلم المستقین امیر المومنین علی علیه السلام منظور نظر بوده و بمدح خاندان رسالت پایان مینماید. اشعاری که از آن مرحوم در دست است بخط شیوای خود او است که الحق در نسخ و نستعلیق نمونه زیبایی خط است. اینک قسمتی از یک قصیده نقل میشود.

→ وزمین است و هیچ عالمی گمان نمیکند که خدایرا عالم دیگر است و در روایت دیگری

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

در آسمانها و عالمی است که تماما مسکون بنفوس و مخلوقات ما نندشما هستند. و در بعضی از روایات هفتاد هزار عالم ذکر شده است.